
سیره تربیتی حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت اقتصادی

راضیه ناطقی^۱

آمنه رضایی^۲

چکیده

اسلام با تبیین جایگاه حقیقی زن، حقوق مالی و اقتصادی فراوان را برای وی در نظر گرفته است، لکن در تأمین معاش خانواده وظیفه‌ای برایشان قرار نداده است. از نظر اسلام، زنان نه تنها از استقلال مالی برخوردار هستند، بلکه تمام حقوق مالی زن، متعلق به اوست و هیچ‌کسی حق تصرف، مطالبه و تصرف در آن را ندارد. علاوه بر این، زنان در تشکیل سرمایه انسانی و توسعه اقتصادی جامعه مؤثر هستند که می‌توان به عنوان نمونه از بانوی صدر اسلام حضرت خدیجه علیها السلام نام برد که یکی از ثروتمندترین زنان عصر جاهلیت است که نقش بسزایی در گسترش دین اسلام داشت و تمام ثروتش را در راه پیشرفت اسلام و اصلاح جامعه جاهلیت در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بزرگوار اسلام قرارداد. حضرت خدیجه علیها السلام با مال و دارایی‌اش دوشادوش پیامبر صلی الله علیه و آله حرکت کرد. با وجود این‌که یک زن بود، اما با ثروت حلالش پیامبر صلی الله علیه و آله را یاری کرد. پژوهش حاضر با گردآوری کتابخانه‌ای و روش توصیفی - تحلیلی با هدف بررسی نقش اقتصادی زنان در اسلام، معلومات مختصری در مورد حضرت خدیجه علیها السلام و نکاتی در سیره

۱. طلبه دکتری فقه و معارف اسلامی، گرایش کلام، جامعه المصطفی العالمیه مشهد، Raziye_Nateghi@miu.ac.ir

۲. طلبه مقطع کارشناسی ارشد رشته فقه تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه قم، @gmail.com/6reamineh

ایشان در تربیت اقتصادی جهت ارتقای توانمندی زنان ارائه کرده است. سیره اقتصادی این بانوی بزرگ نشان داد که تجارت مخصوص مردان نیست، بلکه زنان هم می‌توانند کار و تلاش کنند و با تجارت، پول و ثروت حلال به دست بیاورند. این بانوی بزرگ، همه اموال خویش را در راه ترویج دین و قرآن انفاق کرد و با ثروت ایشان دین اسلام گسترش پیدا کرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، سیره تربیتی، حضرت خدیجه علیها السلام، تربیت اقتصادی، جامعه اسلامی.

مقدمه

کسب درآمد در شرع اسلام و انجام فعالیت‌های اقتصادی برای تأمین معاش، از عبادت‌های بزرگ است. روایت‌های متعددی که همگان را به کار اقتصادی فراخوانده به مردان اختصاص ندارد. گرچه در آن دوره زنان به طور عمده در محیط خانه کار می‌کردند و فقط برخی کارهای جزئی را در محیط خانواده به عهده داشتند، ولی زنان با رعایت چارچوب شرع می‌توانند فعالیت کنند. گرچه مخاطب روایت‌های متعددی که فعالیت اقتصادی برای تأمین معاش خود و خانواده را از عبادت‌های بزرگ می‌داند، مردان هستند (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۷۷-۹۵) اما روایت‌ها به آنان اختصاص ندارد. چنان‌که بانوی صدر اسلام، حضرت خدیجه علیها السلام با توجه به شرایط آن روزگار که زن را از تمام احتیاجات محروم و دختران را زنده به گور می‌کردند، می‌توان او را خردمندترین و کارآمدترین زن روزگار خود نامید. یکی از نویسندگان عرب در مورد او می‌نویسد: «خدیجه این بانوی آگاه و پاک سرشت و این انسان شیفته معنویت که حق‌گرایی، فضیلت‌طلبی و نواندیشی و عشق به کمال از ویژگی‌های او بود. از همان روزگار جوانی پیش از آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یکی از دختران نامدار و بافضیلت حجاز و عرب به شمار می‌آمد که در جهان عرب از ثروتمندترین زنان به شمار می‌رفت».

(کوفی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۴۲۲) اکنون این پژوهش به منظور بررسی سیره تربیتی حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت اقتصادی و با هدف بهره‌گیری از سیره اقتصادی ایشان جهت توانمندسازی زنان، در پی پاسخ به این پرسش است که سیره تربیتی اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت اقتصادی چیست؟ در مورد زندگی و سیره حضرت خدیجه علیها السلام کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است، از جمله: خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، عبدالله علی‌بخشی، ام المؤمنین خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، سید محمد حسین، نیم‌نگاهی به مدیریت و کارآفرینی حضرت خدیجه علیها السلام، علی کرمی فریدنی و همچنین مقالاتی مانند «ابعاد وجودی حضرت خدیجه کبری علیها السلام، همراهی با پیامبر»، «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر» و.... در این کتاب‌ها و مقالات،

مطالب ارزشمندی ارائه شده، ولی به طور کلی به ابعاد زندگی آن بانوی بزرگوار پرداخته است، اما مقاله حاضر به سیره اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام به صورت دقیق پرداخته و با توجه به وظیفه اقتصادی زنان در جامعه اسلامی نگارش یافته است.

مفهوم شناسی

۱. سیره

«سیره» واژه عربی و اسم مصدر از واژه «سیر» و به معنای «رفتن و سیرکردن در زمین» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۴۵۳) و همچنین بر «گذشتن، روان شدن و حرکت کردن» دلالت می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۲۰) راغب اصفهانی در این باره می‌نویسد: «سیره یعنی گذشتن و عبورکردن در زمین». (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۳) در اصطلاح، به فعالیت‌های یک شخصیت در عرصه‌های مختلف، سیره می‌گویند. با توجه به آثار نگاشته شده درباره سیره، این اولین مفهومی است که در ذهن، تبادر می‌کند. به نظر می‌رسد که این معنا استعمال بیشتر و رایج‌تری در میان سیره‌نویسان و تاریخ‌نگاران گذاشته و دارد. (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۷)

۲. تربیت

«تربیت» مصدر باب تفعیل و از دو ریشه «ری ب» و «رب و» است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۸۳) در ریشه «رب» به معنای اصلاح و برعهده‌گرفتن کاری و همراه با آن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۸۲)، حفظ و مراعات و سرپرستی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۰۱) و نیز ایجاد چیزی و تکامل بخشی تدریجی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۷) آن به کار می‌رود. تربیت در ریشه «ربو» به معنای زیادت، رشد و نمو و علو است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۰۴) در اصطلاح عبارت است از هرگونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخصی، به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، بر اساس اهداف از پیش معین شده انجام می‌دهد. البته اهداف و محتوای تربیت نسبت به هر فرد، گروه یا مکتبی متفاوت است. طبق این تعریف، نه مربی تنها به معلم اطلاق می‌شود و نه مربی به دانش‌آموز. همچنین محیط تربیتی نیز اعم از مدرسه و محیط‌های آموزشی است و شامل مدرسه، مدرسه، خانه، محل کار و حتی کوچه و بازار می‌شود (داوودی و حسین‌زاده، ۱۴۰۱، ص ۱۰)

۳. اقتصاد

«اقتصاد» در لغت به معنای میانه روی است. (عمید، ۱۳۵۸، ص ۲۱۵) در اصطلاح، تعاریف متعددی برای این واژه بیان شده است؛ از جمله این که گفته اند: «اقتصاد عبارت است از بررسی و ارزیابی و انتخاب روش هایی که بشر برای استفاده از منابع به منظور تولید کالاها و خدمات و توزیع آنها جهت مصرف به کار می گیرد». (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶، ص ۱۲)

۴. تربیت اقتصادی

تعریفی از تربیت اقتصادی در دست نیست و شاید این عنوان برای اولین بار مطرح می شود؛ ولی با توجه به بررسی ها و پژوهش ها، تربیت اقتصادی را می توان چنین تعریف کرد: «تربیت اقتصادی در اجتماع، به معنای سلامت فکری اقتصادی جامعه و اعتلای اقتصاد جامعه می باشد و منظور نشان دادن وضع مثبت اقتصادی جامعه و سلامت اقتصادی جامعه و فزون یافتن آن است که می تواند به ایجاد تحرک، پیشرفت و تکامل فردی، ملی و بین المللی کمک نماید». (احمدی فر، ۱۳۹۳، ص ۸)

اهمیت تربیت اقتصادی در اسلام

از دیدگاه اسلام، تأمین نیازهای مادی و بهره مندی از نعمت های الهی، امری لازم و مطلوب است، اما باید آن را وسیله ای برای رسیدن به تکامل معنوی بشر و کسب فضایل جهت داد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿وَرَزَقْنَاكَ مِنْ أَلْطِيبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾؛ (انفال، آیه ۲۶) «خداوند شما را از نعمت های پاکیزه بهره مند ساخته تا [با استفاده صحیح و بجا] سپاسگزاری به درگاه الهی باشد». بنابراین تأمین نیازهای مادی، وسیله ای است برای رسیدن به تکامل معنوی بشر (معرفت و سپاسگزاری عملی) که هدف «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» است. (عبداللهی، ۱۳۹۰، ص ۴۳) اهمیت مسائل اقتصادی بر کسی پوشیده نیست، چراکه مردم در هر لحظه با آن درگیر هستند و این موضوع برای همه مردم ملموس است. از سوی دیگر اقتصاد برای کشورها و جوامع از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا رشد و پیشرفت و قدرت هر جامعه و کشوری به قدرت اقتصادی آن بستگی دارد و امروز رشد اقتصادی هر

کشوری نشانه ترقی و توسعه یافتگی آن کشور محسوب می‌شود. در اسلام مسائل اقتصادی به حدی اهمیت دارد که تنها در قرآن، بیش از ۴۵۰ آیه به این موضوع اختصاص یافته و صدها حدیث از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام در این باره رسیده است. بیشترین و پرحجم‌ترین کتاب‌های فقهی، راجع به مسائل اقتصادی است؛ مانند کتاب البیع، کتاب التجارة، کتاب الاجاره، کتاب الرهن، کتاب الوکاله، کتاب الهبه، کتاب الوقف، کتاب الارث، الزکاة، کتاب الخمس، الاخراج، الانفال، کتاب الجزیه و....

اصولاً تحقق اهداف متعالی اسلام بدون توجه به مسائل اقتصادی امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل حضرت شعیب بعد از دعوت به توحید مردم را دعوت به حق و عدالت در امور مالی و تجارت کرد و فرمود: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾؛ (هود، آیه ۸۵) «ای قوم من پیمان‌ها و وزن را با عدالت وفا کنید و بر اشیاء و اجناس مردم عیب‌نگیرید و از حق آنان نگاهید (کم‌فروشی نکنید) و در زمین فساد مکنید».

دیدگاه اسلام درباره کار و فعالیت اقتصادی زنان

زن در اسلام حق کار کردن در همه زمینه‌های مشروع را دارد، حتی می‌تواند در مزرعه، کارخانه، تجارت‌خانه یا هر زمینه دیگری کار کند. زن نیز مانند مرد می‌تواند کوشش کند و هیچ‌کس نمی‌تواند دست‌رنج او را به خود اختصاص دهد. وی موجودی قانونی مستقلی است که همه کار خود و همه محصول کار خود را در اختیار دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾؛ (نساء، آیه ۳۲) «برای مردان از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه به اختیار کسب کرده‌اند بهره است. فزون‌بخشی خداوند را به کمک تقوا و کسب حلال درخواست کنید». همان‌طور که اگر مردان چیزی تحصیل کنند مالک آن می‌شوند زنان نیز اگر مالی به دست آورند مالک آن خواهند بود. این آیه علاوه بر پذیرش حق مالکیت برای زنان، جواز اشتغال آنان را نیز ثابت می‌کند، زیرا در آیه حلال بودن اکتساب مفروض گرفته شده و سپس درباره مالکیت درآمد حاصل از آن اظهار نظر شده است. (چگینی، ۱۳۹۱، ص ۳۴ - ۴۵) اشتغال زنان به خودی خود مباح است. در قرآن کریم تصریح

شده زنان مالک مالی اند که آن را کسب می‌کنند. (نساء، آیه ۳۲) کسب دارایی، هرگونه به دست‌آوری مال با فعالیت تجاری است و با اشتغال به اصطلاح امروز بیشتر تناسب دارد.

اسلام با این‌که زن را واجب‌النفقة مرد می‌داند (شریف قریشی، ۱۳۸۹، ص ۸۲) استقلال مالی را نیز برای او امکان‌پذیر دانسته که این مسئله در سیره معصومین به چشم می‌خورد.

نخستین بانوی اسلام، حضرت خدیجه علیها السلام تمام ثروت و امکانات خویش را بزرگ‌منشانه در اختیار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داد تا در راه توسعه و پیشرفت آیین نوپای اسلام و تحقق اهداف متعالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله به کار گرفته شود؛ پس تمکن و استقلال مالی حضرت خدیجه علیها السلام در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و گسترش اسلام می‌تواند مثال روشنی از قائل شدن چنین حقی برای زنان باشد. (امین مجد، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۹۱) در واقع اسلام با اعطای حق مالکیت و استقلال مالی به زن، ورود او را به عرصه‌های اقتصادی مجاز دانسته و ضمن آموزش مهارت‌ها و نکات شرعی لازم برای یک عملکرد اقتصادی سودمند و اسلامی، مقدمات فعالیت‌های اقتصادی زن را فراهم نموده تا او هم بتواند پس از وظیفه خطیر همسراری، فرزندپروری و مدیریت داخلی منزل، از مزایای دنیوی و اخروی فعالیت در عرصه‌های اقتصادی بهره‌مند گردد و از طرفی با به‌کارگیری حداکثر ظرفیت‌ها و استفاده از این ظرفیت عظیم اجتماعی، بسترهای رشد و شکوفایی اقتصادی امت اسلامی به صورت گسترده‌تری فراهم شود؛ اما نکته حائز اهمیت این است که هرگونه فعالیت اقتصادی زن بایستی متناسب با ویژگی‌های جسمی و روحی وی و در چهارچوب موازین شرعی و حفظ شئون او صورت گیرد و منافاتی با نقش اصلی و بی‌بدیل مدیریت و تدبیر امور خانواده نداشته باشد؛ چراکه اسلام حفظ کیان خانواده را در رأس امور قرار داده و از طرفی تشخیص مصلحت زندگی خانوادگی افراد را با اعتماد به عقل و درک و شعور زن و شوهر به آنان واگذار نموده تا ضمن حفظ شاکله اصلی خانواده در جزئیاتی از قبیل میزان و نوع فعالیت اقتصادی زن و... تصمیم‌گیری نمایند؛ بنابراین ریحانه بودن زن و طراوت و شادابی وی نباید زیر بار مسئولیت‌های طاقت‌فرسا از بین برود. (ر. ک: حرّانی، ۱۳۶۳، ص ۸۷) ایشان از مدیران اقتصادی بسیار موفق و الگویی بی‌همتا و مؤثر در امور اقتصادی جامعه اسلامی آن دوران

محسوب می‌شد که سرمایه خویش را در راه سازندگی، تجارت و سود عادلانه، گره‌گشایی و مردم‌نوازی به کار می‌انداخت. (کرمی فریدنی، ۱۳۹۴، ص ۶۳)

در عین این‌که زن واجب‌النفقة مرد است، چنانچه بخواهد دست به فعالیت اقتصادی بزند، باید در چارچوب شرع این کار را انجام دهد؛ به این معنا که او هم مانند مردان موظف است از راه حلال درآمدش را کسب کند. (شعیری، بی‌تا، ص ۱۳۹) به عبارت دقیق‌تر با توجه به کارکردهای اشتغال در اسلام، روشن است که هدف نهایی از فعالیت اقتصادی تنها کسب مال و ثروت نیست که بتوان در این زمینه به هر طریقی متوسل شد؛ یعنی در صورتی‌که زن فعالیت اقتصادی متناسبی با شرایط و ویژگی‌های جسمی و روحی خویش برگزیند، در واقع پرداختن به آن حرفه تأثیر بسزایی در احساس رضایتمندی و بالابردن اعتماد به نفس او داشته و زمینه شادابی و نشاط وی را فراهم می‌کند و افزون بر سرگرم شدن، گاه بخشی از نیازهای مادی زندگی و خانواده را تأمین می‌نماید. (علی محمدی، ۱۳۸۷، ص ۶۵)

فعالیت اقتصادی و کسب درآمد زنان از گذشته‌های دور میان ملت‌ها متداول بوده است. این فعالیت گاهی در قالب مشارکت در افزایش سرمایه با منابع مالی خانواده شکل می‌گرفت بدون آن‌که زن جداگانه درآمدی دریافت کنند؛ مانند همکاری زنان روستایی در کار کشاورزی دامداری و ریسندگی و بافندگی. براین اساس زنان از گذشته عناصر فعال اقتصادی به شمار می‌آمدند. با پیدایش عصر صنعتی و پدید آمدن کارخانه‌ها و صنایع مدرن هم مفهوم کار، در علوم اقتصادی و هم مصداق فعالیت‌های اقتصادی، دستخوش تحولاتی شد. امروزه به کاری «شغل» می‌گویند که در مقابل مزد یا حقوقی منظم و ثابت انجام می‌شود. در همه فرهنگ‌ها، کار شالوده اقتصاد است. نظام اقتصادی شامل نهادهایی است که تولید و توزیع کالاها و خدمات را به انجام می‌رسانند. با پیدایش کارخانه مشاغل جدید فاصله معناداری میان خانه و کارخانه ایجاد شد. در این تغییرهای پیش آمده اشتغالی اغلب با حضور در محیط دور از خانه و ساعت‌های معین محقق می‌شود؛ پس بسیاری از فعالیت‌هایی که در محدوده خانه انجام می‌شد از تعریف و مصداق کار خارج گردید. امروز تهیه غذا، ساختن ظروف مورد نیاز در خانه و کارهایی از این دست، فعالیت‌هایی هستند

که بیرون از خانه انجام می‌شود؛ این در حالی است که در گذشته‌های دور، این کارها را زنان در خانه و پیرامون آن انجام می‌دادند. پس از دوران نویسندگی (هشت هزار تا سه هزار سال پیش از میلاد) و کشاورزی زنان این کارها را برای خانواده انجام می‌دادند، ولی این فعالیت به مفهوم شغل در شکل امروزی اش نبود. پس از آن، با رایج شدن معاملات پایاپایی و سپس پولی، زنان کارهایی مانند نساجی، بافندگی و صنایع دستی و تجارت را بر دوش گرفتند. در عصر ظهور اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مواردی از شغل زنان به چشم می‌خورد. کارهای تجاری و امور خرد و کلان بازرگانی نیز تاریخ طولانی دارند. خدیجه کبری علیها السلام نمونه‌ای از زنان تاجر بود که با سرمایه‌گذاری و قرار دادن کالای خود در تجارت کاروان‌های بزرگی را اداره می‌کرد. افراد دیگری مانند همسر عبدالله بن مسعود و زینب بنت جحش بودند که صنایع دستی می‌ساختند؛ اولی برای گذران امور معیشتی خود و همسر نابینا و فرزندانش و دومی برای این‌که با درآمد حاصل از آن به امور خیر مانند انفاق بپردازد. همچنین سعدیه اسدیة بافندگی و نساجی می‌کرد. (بخاری، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۱۰۸)

مختصری از زندگی اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام یکی از چهره‌های برجسته شعور و خرد، شهامت و شجاعت، استبدادناپذیری و آزادی‌خواهی، استقلال‌طلبی و مبارزه با وابستگی و اسارت به‌شمار می‌رفت. (کرمی فریدنی، ۱۳۹۴، ص ۸۸) ایشان، دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قُصی بن کلاب، جد چهارم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ بنابراین حضرت خدیجه با چند واسطه دخترعموی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ریشه خاندانش از خاندان قریش در جد چهارم پیامبر صلی الله علیه و آله به هم می‌رسید. آن‌ها یکدیگر را پسرعمو و دخترعمو می‌خواندند. همچنین از نظر سلسله سندی مادری، با جد هشتم پیامبر صلی الله علیه و آله به همدیگر متصل می‌شوند. (اشتهاردی، ۱۳۹۲، ص ۲۲ - ۱۲)

حضرت خدیجه علیها السلام در عصر تیره جاهلیت که اعراب دختران را زنده‌به‌گور می‌کردند، دختری پاک‌سرشت و خجسته در خاندانی اهل فضل و دانش به دنیا آمد. خاندان برای این مولود مبارک جشن و سرور به پا کرد و نام نیکو «خدیجه» (به معنای گسسته و بیگانه از ناپسندی‌ها و نازیبایی‌ها) را بر او نهادند. کسی پیش‌بینی نمی‌کرد که سرنوشت این کودک

چگونه با سرنوشت امت گره خورده و شأن و شخصیت او عالم گیر خواهد شد و خداوند، فرستاده خویش را در سخت ترین شرایط ممکن به وسیله او یاری و مساعدت خواهد کرد. سال تولد آن بانوی بزرگوار دقیق معلوم نیست، اما بنا بر ادله ای که در دست است، سال عام الفیل یا حدود ۳ سال بعد از آن به دنیا آمده اند. القاب زیادی برای آن حضرت علیها السلام نقل شده است، مانند: طاهره (بانوی پاک سرشت و پاک منش)، مبارکه (بانوی پریکت، سرچشمه خیر فراوان)، صدیقه (بسیار راست گو)، زکیه (بسیار پاکیزه)، راضیه (سرنهاده به فرمان الهی)، کبری (بزرگوار) است. کنیه های آن بانوی باکرامت ام زهرا، ام الصعالیک (مادر بینوایان)، ام الیتامی (مادر یتیمان)، ام المؤمنین (مادر ایمان آورندگان) است. اوصاف ایشان بانوی والامقام، بانوی برگزیده، اولین ایمان آورنده و نخستین نمازگزار، برترین زنان بهشتی، اشرف زوجات الرسول است. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۴ - ۲۱)

آشنایی و وصلت رسول خدا با حضرت خدیجه علیها السلام

وصلت و دیدار حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله با تجارت آغاز شد. خدیجه علیها السلام، زنی تاجرپیشه و صاحب شرافت و ثروت بود که مردان را در اداره اموال خویش به کار می گرفت و با تعیین سهمیه، با آنان قرارداد می بست. قریشیان، قوم تاجر بودند. چون به حضرت خدیجه علیها السلام خبر رسید که محمد صلی الله علیه و آله راستگو، باایمان، نیکوکار و نیکو اخلاق است، کسی را دنبال او فرستاد و به او پیشنهاد کرد با دارایی وی، به عنوان تاجر راهی شام شود و چیزی فراتر از آنچه به دیگر تاجران می دهد، بگیرد. محمد صلی الله علیه و آله پیشنهاد خدیجه علیها السلام را پذیرفت و غلام آن بانو به نام میسره با رسول خدا همراه شد. آنان رفتند تا این که به شام رسیدند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله در سایه درختی نزدیک صومعه راهبی پیاده شد، راهب از میسره پرسید: این مرد که زیر این درخت نشسته کیست؟ میسره گفت: مردی از قریش و از اهالی حرم. راهب وحشت کرد و گفت: هیچ کس زیر سایه این درخت نمی نشیند مگر این که پیامبر باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله کالای خود را فروخت و سود هنگفت و بی سابقه ای به دست آورد. هر کالایی که می خواست، خریداری کرد و همراه میسره بازگشت. (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۱۶، ص ۸) وقتی به مکه رسید، میسره شتابان سوی بانوی خود رفت و از سود هنگفتی که

رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده بود، خبر داد. سپس با تعجب و حیرت، هر اتفاقی را که در طول سفر از رسول خدا صلی الله علیه و آله دیده بود، از سخنان راهب گرفته تا سایه افکندن ابر بر سر رسول خدا و مناجات خاشعانه آن حضرت با خدای متعال، تعریف کرد. حضرت خدیجه با این تعریف و تمجید و تحسین رسول خدا صلی الله علیه و آله، شیفته او شد. زیرا دریافت که او چه خصلت‌های نیکو و اخلاقی والایی دارد و مانند دیگر جوانان قریش در پی وقت‌گذرانی، هرزگی و شهوت‌رانی نیست، بلکه با کمال، برتری خرد، پاک‌نهادی و دیگر ویژگی‌های اخلاقی نیکو از آنان پیشی می‌گیرد. حضرت خدیجه علیها السلام یقین پیدا کرد که محمد صلی الله علیه و آله آینده درخشانی دارد.

پس حضرت خدیجه علیها السلام شتابان از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد. برای حضرت خدیجه علیها السلام از سران، بازرگانان و ثروتمندان قریش از جمله عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهات، ابوجهل و ابوسفیان به خواستگاری رفتند، ولی آن بانوی بزرگوار همگی رارد کرد و روی به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله نهاد و مهریه را از دارایی‌های خویش برای آن حضرت فرستاد. برخی از قریشیان از این کار شگفت‌زده شدند و گفتند: زنان به مردان مهریه دهند؟ ابوطالب پاسخ داد: «اگر مردان مانند این برادرزاده من باشند، به بالاترین افتخار ازدواج دعوت می‌شوند؛ ولی اگر همانند شما باشند، جز با پرداخت مهریه بالا ازدواج نخواهند کرد». خدیجه علیها السلام بهترین مرد روی زمین را برگزید و به سعادت‌مندی دست پیدا کرد و بر تمامی زنان عالم برتری یافت. اگر ایمان، پرهیزکاری و پاک‌نهادی عظیمی نداشت، به این جایگاه والا نمی‌رسید. ابوطالب علیه السلام با تعدادی از بنی‌هاشم و قریشیان نزد عمرو بن اسد، عموی خدیجه علیها السلام، رفت و آن بانو را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد. برخی سن حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج را ۲۵ سال، برخی ۲۸ سال و برخی دیگر بیش از این دانسته‌اند. سید جعفر مرتضی می‌نویسد که حضرت خدیجه علیها السلام در ۲۵ سالگی با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج نمود. (القرشی، ۱۳۹۶، ص ۵۲-۴۴)

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ثروتمندترین شخص جزیره‌العرب بود و حدود هشتاد هزار شتر داشت. کاروان‌های تجارتهی او شب و روز در طائف، یمن، شام، مصر و سایر بلاد در حرکت بودند. برده‌های بسیاری داشت که به تجارت مشغول بودند. حضرت

خدیدجه علیه السلام بانویی بود که در ناز و نعمت زندگی می‌کرد و از مال دنیا چیزی کم نداشت. از ایثار و فداکاری بسیار عجیب خدیدجه علیه السلام این‌که پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله همه اموالش را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد تا آن حضرت صلی الله علیه و آله هرگونه که می‌خواهد آن اموال را در راه خدا به مصرف برساند. چنین فداکاری بزرگی در جامعه‌ای که مال و ثروت را مایه فخر و مباهات می‌دانستند و کاری به اخلاق و اخلاق‌مداری نداشتند، بی‌سابقه بوده؛ اما خدیدجه علیه السلام از مال و ثروت خود چشم پوشید و به جای چند برابر کردن اموال خود، همه آن را در راه اسلام و قرآن فدا کرد و چه بسا اگر این فداکاری ایشان نبود، اسلام در آن زمان گسترش نمی‌یافت.

تاجر و ثروتمند قریش، حضرت خدیدجه علیه السلام یکی از خانواده اشراف بود و میراثی داشت که آن را سرمایه نمود. در میان قریش که از گروهی بازرگان پیشه بود، بازرگان و دارای بزرگی، شرف و ثروت بود و از مردها می‌خواست که با مال و پول او تجارت نمایند و با آنان قرارداد مضاربه می‌بست و چیزی از مال خود سهمیه قرار می‌داد. حضرت خدیدجه علیه السلام بر اثر تدبیر، سعی و کوشش در تجارت و امور اقتصادی و هوشمندی توانسته بود از ثروتمندان عصر خود باشد. اما ناگفته نماند که هدف حضرت خدیدجه علیه السلام در تجارت، ثروت‌اندوزی نبود و هرگز تجارت را به عنوان وسیله‌ای برای کسب درآمدهای سرشار اما نامشروع به کار نبرد. ایشان هرگز در پی سودجویی و منفعت‌طلبی نبود و تا سرحد امکان به درماندگان و یتیمان کمک می‌کرد و همان‌طور که نقل کرده‌ایم، او را به عنوان «ام‌الصعالیک» و «ام‌الیتامی» می‌خواندند.

مطلب قابل ذکر این است که، با استناد به روایتی در منتهی‌الأمال ذکر کردیم که ایشان ثروتمندترین فرد در مکه و در بین قریش بودند، درحالی‌که درست روشن نیست ثروت حضرت خدیدجه علیه السلام چقدر بوده است. زیرا در آن زمان، در عرب جاهلیت، ثروت نمی‌توانست این‌قدر زیاد باشد و این‌که می‌گوییم ثروت ایشان زیاد بوده، یعنی به نسبت ثروتی که در آن روز در آن مناطق بود، زیاد بود. مایملک ایشان در آن زمان سرمایه‌ای نبوده که بتوانند کاروان تجارتي بفرستند. ایشان یک ثروت نسبی داشت که از پدر خود ارث برده و غلام ایشان با دیگران به صورت مضاربه با کاروان تجارتي شام همراه می‌شدند و تجارت می‌کردند که سود خالص آن پشوانه یک سال زندگی حضرت خدیدجه علیه السلام را با آن همه

همراهی و کمک به مساکین و یتیمان تأمین می کرده است. البته زندگی ایشان در حد یک زندگی اشرافی می توانست باشد. آنچه مهم است این که هر چه داشت، فدای راه اسلام کرد. (هاشمی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۶)

نکته شایان توجه این است که آن بانوی گرامی در آن زمان جاهلی و خفقان آور، با خواری که خبری از انسانیت نبود، هرکس دنبال عیش و نوش و خوش گذرانی بود و از هر راهی که می توانستند ثروت کسب می کردند. هیچ کسی به فکر همدیگر نبود و هیچ جایگاه و مقامی برای زن قائل نبودند. زن را به عنوان انسان حساب نمی کردند. آن بانوی بزرگوار با تدبیر و فطرت پاکش به دنبال مال حلال، به دور از چشم مردان نامحرم مال و ثروت به دست می آورد و به مستمندان و یتیمان کمک می کرد.

سیره حضرت خدیجه علیها السلام در تربیت اقتصادی

می توان گفت یکی از مهم ترین جنبه های زندگی حضرت خدیجه علیها السلام، نقش مؤثر و مفید ایشان در جامعه مسلمانان از نظر اقتصادی بوده است. خدمات اقتصادی آن حضرت علیها السلام به اسلام و پیشبرد اهداف اسلامی، بیش از سایر ابعاد زندگی ایشان مورد توجه قرار گرفته است. با مراجعه به منابع متعدد، مشاهده می کنیم که این خدمات با بیان های مختلف و در حوزه های گوناگون مطرح شده است.

۱. راه کارهای حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام

بخشی از حمایت های حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، حمایت های مادی ایشان بود. دین نوپای اسلام در مراحل نخستین خود، در مواجهه با کفار و مشرکان ثروت پرست مکه، نیاز فراوانی به حمایت های مالی داشت. این امر، به خواست خداوند، از طریق اموال فراوان حضرت خدیجه علیها السلام تحقق یافت. عظمت فداکاری و جهاد مالی حضرت خدیجه علیها السلام را می توان در این سخن زیبای رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مشاهده کرد که فرمودند: اسلام با دو عامل اساسی گسترش و پایداری یافت: یکی فداکاری علی علیه السلام و دیگری فداکاری اقتصادی خدیجه علیها السلام.

این جای یک پرسش مطرح می شود: آیا پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به طمع مال و دنیا با حضرت خدیجه علیها السلام

ازدواج کرد؟ در پاسخ باید گفت که تاریخ، هیچ گزارشی مبنی بر تحول اقتصادی در زندگی پیامبر ﷺ پس از ازدواج با حضرت خدیجه ﷺ ارائه نمی دهد، بلکه آنچه در منابع تاریخی منعکس شده، ساده زیستی و زهد فوق العاده پیامبر ﷺ است. حضرت خدیجه ﷺ تمام اموالش را با میل و رغبت در راه اسلام انفاق کرد، نه برای تأمین رفاه و آسایش رسول خدا، بلکه برای دعوت به اسلام و پیشرفت هدف الهی.

نکته مهم این است که حضرت خدیجه ﷺ بود که درخواست ازدواج کرد، نه رسول خدا ﷺ. به اعتراف تمام اسلام شناسان، حضرت خدیجه ﷺ از عوامل تأثیرگذار در رشد اسلام بود و نقشی اساسی در این مسیر ایفا کرد. ایشان پس از ازدواج، تمام اموال خود را به پیامبر ﷺ بخشید تا هرگونه که مصلحت می داند، آن را هزینه کند.

علامه مجلسی روایت می کند که حضرت خدیجه ﷺ چند روز پس از ازدواج نزد عمویش ورقة بن نوفل رفت و گفت: «اموالم را بگیر و نزد رسول خدا ﷺ ببر و به آن حضرت بگو: این اموال خدیجه ﷺ است که به تو هدیه کرده تا هرگونه که بخواهی، در آن تصرف کنی. هر آنچه از کنیزان و غلامان و دارایی دارم نیز بخشش به توست».

پیامبر اکرم ﷺ در حق شناسی از این بخشش و بزرگ منشی حضرت خدیجه ﷺ فرمودند: «من مدیری مهربان تر و کارفرمایی حق شناس تر و بهتر از خدیجه ﷺ نسبت به کارکنان، کارگزاران و همکارانش ندیدم. هرگاه من و دوستم پس از کار نزد او می رفتیم، غذایی گوارا که برای او آماده شده بود، به ما هدیه می داد. او با کارگزارانش بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد». رسول خدا ﷺ با اموال حضرت خدیجه ﷺ بدهی های بسیاری را پرداخت کرد، افراد را از زیر بار دین رها کرد و به تهیدستان، بینوایان و یتیمان رسیدگی نمود. آن حضرت فرمودند: «خدیجه ﷺ مرا برای دین خدا یاری کرد و با مالش به کمک من شتافت». سلیمان نویسنده عرب، می نویسد: «خدیجه ﷺ ثروتش را به محمد بخشید؛ اما این احساس را نداشت که می بخشد، بلکه احساس می کرد که هدایت که بر تمام گنج های سراسر جهان برتری دارد را از او کسب می کند».

هر انقلابی که در جامعه به منظور مقابله با نابسامانی های اجتماعی صورت می گیرد،

پیشگامانی دارد که پایه‌های انقلاب و نهضت بر دوش آن‌ها است. آن‌ها در واقع وفادارترین عناصر انقلابی هستند، زیرا هنگامی که پیشوا و رهبرشان از هر نظر تنهاست، گرد او را می‌گیرند. با این‌که از جهات مختلف در محاصره قرار دارند و انواع خطرهای چهار طرف آن‌ها را تهدید می‌کند، اما دست از یاری و فداکاری بر نمی‌دارند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۱۰۱) نمونه بارز این مثال حضرت خدیجه علیها السلام است که قرآن از این بانوی بزرگ به منزله «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ» یاد کرده است. خداوند از همه پیشگامان نخستین، از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آن‌ها پیروی کردند، خشنود است. (توبه، آیه ۱۰۰) به اعتقاد بسیاری از مفسران، واژه «من» در این آیه تبعیضیه است که انحصاراً شامل مهاجرین و انصار نمی‌شود، بلکه کسانی دیگر را نیز در بر می‌گیرد. نخستین کسی که از زنان مسلمان شد، حضرت خدیجه علیها السلام بود.

در سال‌های نخست بعثت، مشرکان قریش برای از بین بردن اسلام و تسلیم کردن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در برابر خواسته‌های خود، به نقشه‌ها و توطئه‌های فراوانی اقدام کردند. اما با تدبیرهای پیامبر و صبر و استقامت مسلمانان، همه توطئه‌ها یکی پس از دیگری خنثی شد تا این‌که قریش اقدام به توطئه محاصره اقتصادی کرد. آن‌ها نامه‌ای نوشتند که بر اساس آن، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان را از تمام داد و ستدها محروم کردند و همچنین با گران کردن کالاها در بازار مکه و ممانعت از رسیدن آذوقه به شعب ابی طالب علیهم السلام، دستشان را از همه چیز کوتاه کردند. در این هنگام، حضرت خدیجه علیها السلام دو کار مهم انجام داد: نخست، با فرستادن نمایندگان، سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت که این کار نتیجه‌ای نداد. دوم، به کمک برادرزاده خود، حکم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه کرد؛ از این رو اموال حضرت خدیجه علیها السلام در راه پیشرفت و تقویت اسلام، بخش مهمی از توطئه‌های قریش را خنثی کرد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «خدیجه و عموی بزرگوار ایشان همه اموالشان را برای حفظ اسلام و محاصره‌شدگان انفاق نمودند». (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۱۹، ص ۱) همچنین فرمودند: «هیچ چیز به اندازه مال خدیجه علیها السلام به من سود نبخشید». (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۶۸) حضرت خدیجه علیها السلام توانست با بذل مال خود، یاران اسلام را در آغاز راهشان در مقابل دشمنان حفظ کرده و زمین

شکوفایی اسلام و مسلمانان را فراهم نماید. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۲۱۱) همچنین ایشان سرمشق زنان مسلمان گشتند، به طوری که آن‌ها نیز با اهدای اموال و زیورآلات خود، بنیه اقتصادی دولت تازه تأسیس مدینه را تقویت کردند (به نقل از: صدوق، ۱۴۱۷، ص ۴۶۸)

۲. خدمت اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب تجارت

همان‌طور که گفته شد، حضرت خدیجه علیها السلام یکی از تاجران نامدار و بی‌نظیر مکه محسوب می‌شد. در اوایل طلوع اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنوز وضعیت مالی مناسبی نداشت و زندگی دشواری را سپری می‌کرد. از آنجاکه حضرت خدیجه علیها السلام به دنبال مردی امین برای تجارت با اموالش بود، حضرت ابوطالب رضی الله عنه، عموی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به او پیشنهاد داد که نزد خدیجه برود و با اموال او به تجارت بپردازد.

حضرت خدیجه علیها السلام می‌دانست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مردم به لقب امین معروف است. به همین دلیل، وقتی متوجه شد که ابوطالب چنین پیشنهادی داده است، خودش فردی را به دنبال پیامبر فرستاد و گفت: «چیزی که مرا شیفته تو کرده است، همان راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق پسندیده توست و من حاضرم دو برابر آنچه را به دیگران می‌دادم، به تو بپردازم».

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اموال حضرت خدیجه علیها السلام به سفر تجاری شام رفت و در این سفر سود خوبی به دست آورد. این تجارت تا حدی وضعیت مالی و اقتصادی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بهبود بخشید و تثبیت کرد. (ر. ک: سبحانی، ۱۳۸۶، ص ۷۶؛ آرانی، خدامیان و...، ۱۳۹۰، ص ۶۶ - ۱۳)

۳. واگذار کردن خانه به رسول خدا صلی الله علیه و آله

یکی دیگر از خدمات حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این بود که پس از ازدواجشان، درحالی‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خانه‌ای از خود نداشت، حضرت خدیجه علیها السلام با نهایت محبت و فروتنی، خود را کنیز و ایشان را آقا خطاب می‌کرد و می‌فرمود: «این جا خانه توست»؛ از آن پس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار حضرت خدیجه علیها السلام زندگی مشترک خود را آغاز کردند؛ زندگی‌ای که سراسر خیر و برکت بود. (ر. ک: خدامیان آرانی، ۱۳۹۰: ۷۶ - ۷۳)

۴. کمک به اسلام آوردن مردم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اموال حضرت خدیجه علیها السلام برای خریداری و آزادسازی بردگان تحت

شکنجه استفاده می‌کردند، بدهکاران را از بند بدهکاری رها ساخته و به بینویان و تهی‌دستان کمک می‌نمودند. ده سال پیش از بعثت، حلیمه سعیدیه، مادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله، نزد ایشان آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد. پیامبر اکرم این موضوع را با حضرت خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند و ایشان با سخاوت چهل شتر و گوسفند به او بخشیدند. حلیمه سعیدیه با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت.

پس از طلوع اسلام، هرگاه کسی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد و اسلام می‌آورد، حضرت خدیجه علیها السلام با مال خود از او حمایت می‌کردند. هنگامی که مسلمانان از مکه به مدینه هجرت می‌کردند و مشرکان اموالشان را مصادره می‌نمودند، پیامبر صلی الله علیه و آله با ثروت حضرت خدیجه علیها السلام آن‌ها را بی‌نیاز ساخته و موانع و مشکلات را از سر راهشان برمی‌داشتند.

از همه مهم‌تر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با این اموال، محبت برخی از کفار را جلب می‌کردند که در قرآن از آن با تعبیر «تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ» (توبه، آیه ۶۰) یاد شده است. البته این به معنای پرداخت رشوه برای اسلام آوردن آنان نبود، بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله با از بین بردن مشکلات مالی آنان، دل‌هایشان را به حقیقت اسلام نزدیک می‌ساختند.

۵. اهداف حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام با تدبیر، هوش و زکاوتی که داشت، یکی از ثروتمندترین افراد عصر خود بود. اما هدف ایشان از تجارت، صرفاً ثروت‌اندوزی نبود و هرگز آن را وسیله‌ای برای کسب درآمدهای نامشروع قرار نداد. بلکه تا حد امکان به درماندگان و یتیمان کمک می‌کرد، به همین دلیل او را «أمّ الیتامی» می‌نامیدند. (هاشمی‌نژاد، ۱۳۸۸، ص ۳۷)

افزون بر این، همه اموالش را در راه گسترش اسلام بخشید. مؤلف کتاب *ملیکة بطحاء* بر این باور است که ورود حضرت خدیجه علیها السلام به عرصه اقتصادی و جمع‌آوری ثروت نشان‌دهنده هدفی بزرگ بود: نخست، کسب اطلاعات گسترده از طریق ارتباطات تجاری با کشورهای مختلف و دوم، جمع‌آوری اموال برای حمایت از پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله.

حضرت خدیجه علیها السلام زمانی که کاروان تجاری خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله سپرد، با وجود این‌که ایشان تجربه‌ای در تجارت و سفر شام نداشتند، از نگاه عقلانی معمول، تصمیم عجیبی

گرفت. اما حقیقت این بود که ایشان هدف والاتری داشت؛ از جمله تطبیق اطلاعاتی که درباره پیامبر آخرالزمان داشت با شخصیت حضرت محمد ﷺ.

پس از ازدواج، اختیار اموال حضرت خدیجه ﷺ به پیامبر اکرم ﷺ واگذار شد و ایشان در ۱۳ سال حضور در مکه، همچنین در اقداماتی همچون ارسال مهاجرین به حبشه و دیگر فعالیت‌های اسلامی، از این اموال برای پیشبرد اهداف رسالت بهره بردند. (ملیکه بطحاء)

ضرورت بهره‌گیری از سیره اقتصادی حضرت خدیجه ﷺ

وقتی به زندگانی حضرت خدیجه ﷺ نگاه می‌کنیم، نکات بسیار ارزشمندی از وجود بزرگوار ایشان به دست می‌آوریم. از جمله آن نکات می‌توان به خدمات اقتصادی آن حضرت ﷺ به جامعه مسلمین اشاره کرد. در زندگی اقتصادی آن حضرت ﷺ، سه جنبه اساسی دیده می‌شود:

۱. شخصیت اقتصادی آن حضرت ﷺ

حضرت خدیجه ﷺ میل زیادی به تجارتي که در مکه رایج بود داشت و فعالیت تجاری او در مکه انجام می‌شد. وی از راه تجارت ثروت زیادی پیدا کرد تا این که در رأس تجار مکه قرار گرفت، به طوری که ثروت هیچ زنی در مکه به ثروت او نمی‌رسید. (قرشی، ۱۳۹۶، ص ۶۳) از این بیان مشخص می‌شود که او شخصاً به تجارت علاقه داشته است و علی‌رغم حفظ خصوصیات اخلاقی مورد ستایش که او را طاهره می‌خواندند، تاجری موفق، سرآمد و اثرگذار در اقتصاد جامعه بوده است. بنابراین، جدای از نظراتی که در مورد چگونگی به وجود آمدن ثروت او بیان گشته، همانند ارث بردن از شوهران قبلی، بر فرض صحت چنین چیزی، می‌توان گفت که علت اصلی ثروت کلان او در جامعه آن روز، شخصیت خود ایشان و عملکرد مثبت او در قامت یک تاجر در شرایط آن روز بوده است.

۲. ثروت فراوان حضرت خدیجه ﷺ

در مورد مقدار ثروت آن حضرت سخنان متفاوتی آمده است: «... هشتاد هزار شتر در کاروان‌های متعدد، اموال تجاری او را به مراکز اقتصادی جهان آن روز از یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان، حبشه، فلسطین و... حمل و نقل می‌نمودند». تاریخ‌نویسان مظاهر ثروت خدیجه ﷺ را در سه مورد ذیل خلاصه کرده‌اند:

- اموال تجاری او را به اطراف و اکناف جزیره العرب و خارج از آن، از مصر و حبشه و روم و شام و... حمل و نقل می کردند.

- بارگاهی از حریر با طناب های ابریشم بر بام خانه باشکوهش برافراشته بود و در آن جا از رفت و آمد مردم، از زن و مرد، پذیرایی می شد.

- چهارصد غلام و کنیز، امور زندگی او را رسیدگی و سرپرستی می کردند و دستگاه عریض و طویل زندگی خدیجه را اداره می نمودند.

ثروت ثروتمندان آن عصر مانند ابو جهل، عقبه بن ابی معیط، صلت بن ابی یهاب، ابوسفیان و... در مقایسه با ثروت خدیجه علیها السلام بسیار ناچیز بود». (ملبوی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۱۳۰)

۳. نقش اقتصادی آن حضرت علیها السلام در جامعه مسلمین

می توان گفت یکی از مهم ترین جنبه های زندگی حضرت خدیجه علیها السلام، نقش مؤثر و مفید آن حضرت بر جامعه مسلمین به لحاظ اقتصادی بوده است و خدمات اقتصادی آن حضرت علیها السلام بر اسلام و پیشبرد اهداف اسلام بیش از سایر جنبه های زندگی او مورد توجه قرار گرفته است. وقتی به منابع متعدد مراجعه می کنیم می بینیم که این خدمات، با بیانات مختلف و در حوزه های مختلف بیان گشته است. در این بخش از تحقیق برخی از این بیانات و حوزه های مختلف را بیان نموده و پس از آن به تحلیل و بررسی خواهیم کرد. (کریم پور، ص ۱۴۰)

خدیجه علیها السلام چگونه الگویی برای زن مسلمان امروزی - که مایل به کارهای اقتصادی است - هستند؟

دو نکته وجود دارد که زنان ما نخست باید به آن توجه کنند. حضرت خدیجه علیها السلام و دختر بزرگوارشان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قطعاً حضور اجتماعی داشتند و این موضوع به وضوح اثبات شده است، چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام. برای مثال، حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی اسلام حرکت می کردند. زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا معتکف بودند و نخستین وحی بر ایشان نازل شد و به پیامبری مبعوث شدند، حضرت خدیجه علیها السلام هر روز از مسیر پر از سنگلاخ مکه تا پای کوه پیاده می رفتند تا برای همسرشان غذا ببرند.

همچنین در شعب ابی طالب علیه السلام، ایشان با ایثار مال و جان خود از اسلام حمایت کردند، ولی تمامی این فعالیت‌ها با رعایت حدود حجاب و عفاف انجام می‌شد و این همراهی به هیچ وجه به معنای ادعای هم‌دوشی با مردان و زیر پا گذاشتن خصوصیات زنانه‌شان نبود؛ به‌ویژه که حضرت خدیجه علیها السلام در عین انجام کارهای اقتصادی و کسب درآمد، به طیبه و طاهره معروف بودند.

دختر بزرگوار حضرت خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، روزی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کارهای خانه را بین او و همسرش حضرت علی علیه السلام تقسیم کردند و کارهای درون خانه را به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و کارهای بیرون خانه را به حضرت علی علیه السلام سپردند، از این تقسیم کار چنان شاد شدند که فرمودند: «هیچ کس جز خداوند نمی‌داند که چقدر از این تقسیم کار خوشحال شدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا از هم‌دوشی با مردان معاف کردند»؛ با این حال، اسلام زنان را از حضور در اجتماع و کارهای اجتماعی منع نمی‌کند، بلکه تنها به رعایت حدود و آداب آن تأکید دارد.

نتیجه‌گیری

حضرت خدیجه علیها السلام در یک خانواده برجسته و باشرف و مقدس به دنیا آمد و یکی از برجسته‌ترین و ثروتمندترین تاجران عصر خود بود. با وجود شرایط سخت و عصر جاهلیت و خفقان و محیط آلوده، هرگز زیر بار ظلم و ستم و آلودگی‌های جامعه جاهلی قرار نگرفت. با هوش و ذکاوت و شجاعت و شهامت و مدیریت عالی، یکی از ثروتمندترین افراد عصر خود شد. شخصیت آزادی‌طلب و استقلال‌طلب و فکری‌بازداشتند. از راه تجارت، مال و ثروت زیاد به دست آوردند، بدون این‌که خودشان با نامحرم روبه‌رو شوند. اموالشان را به مردان مضاربه می‌دادند تا برایشان تجارت کنند. هم زمینه‌ای برای مردان مهیا می‌کردند و هم خودشان پول و ثروت به دست می‌آوردند از راه حلال و با کسب و کار حلال. هدف حضرت خدیجه علیها السلام ثروت‌اندوزی، عیش و نوش و فخرفروشی نبود. مال را به دست می‌آوردند و با آن به یتیمان، مستمندان و فقیران و بینوایان کمک می‌کردند. دست مستضعفین را می‌گرفتند و

خودشان زندگی ساده‌ای داشتند. حضرت خدیجه علیها السلام نشان داد که تجارت و ثروت مخصوص مردان نیست؛ بلکه زنان هم می‌توانند کار و تلاش کنند، تجارت کنند، پول و ثروت به دست بیاورند و مالک مال خود باشند. هرچند که بر زنان واجب نیست نفقه و دیه پرداخت کنند، اما می‌توانند ثروت به دست بیاورند. هیچ‌کسی حق تصرف در اموالش را ندارد، مثل مردان، مال مال خودش است. اسلام هم با کار کردن و ثروت مخالف نیست، اما باید از چهارچوب اسلام خارج نشود، در مکان مناسب و در راه درست و حلال، مالش را مصرف کند. همانند بانوی صدر اسلام که همه اموالی که با زحمت زیاد به دست آورده بود، همه‌اش را در راه دین و قرآن و پیامبر خود انفاق کرد. با ثروت حضرت خدیجه علیها السلام دین اسلام پابرجا ماند و گسترش پیدا کرد. باید همه از این بانوی بزرگ‌الگو بگیرند و مالشان را در راه خدا و امام زمانشان خرج کنند.

منابع

قرآن کریم

کتاب

۱. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلامی الاسلامی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، محقق/مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت: دار صادر.
۳. اشتهازی، محمد مهدی (۱۳۹۲)، *حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله*، اسطوره ایثار و مقاومت، نبوی.
۴. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۶)، *تاریخ اسلام و سیره*، نویسندگان جوی جهانبخش.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۱)، *صحیح بخاری*، چاپ چهارم، انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۶. چگینی، شکوفه (۱۳۹۱)، *حقوق اقتصادی زن در اسلام*، مشهد: ضریح آفتاب.
۷. حسین، سید مرتضی (۱۳۸۳)، *اخلاق تبلیغ در سیره رسول الله صلی الله علیه و آله*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دار العلم و الدار الشامیة.
۹. عبد اللهی، محمد اسماعیل (۱۳۹۰)، *جهاد اقتصادی در جهان بینی اسلامی*، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۰. عمید، حسن (۱۳۵۸)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۴۰.
۱۱. فریدنی، علی کریمی (۱۳۹۴)، *فروع آسمان حجاز خدیجه علیها السلام*، محسن کرمی، [بی جا، بی نا].
۱۲. القرشی، باقر شریف (۱۳۹۶)، *زندگانی بانو خدیجه کبری*، ترجمه محمد تقدمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، *اصول کافی*، مترجم حسین استادولی، [بی جا، بی نا].
۱۴. کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۲۳)، *مناقب الإمام أميرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، محقق: محمد باقر محمودی، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
۱۵. مجلسی، محمد بن باقر بن محمد تقی (۱۴۱۳)، *بحار الأنوار*، جلد ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه (۱۳۷۶)، *اخلاق اقتصادی*، تهران: اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، جلد ۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۸. ملبوبی، محمدباقر (۱۳۶۹)، *الوقایع والحوادث (رمضان)*، بیروت: دارالعلم.
۱۹. هاشمی نژاد، اکرم سادات (۱۳۹۵)، سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، مشهد: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.

مقالات

۱. احمدی فر، مصطفی (۱۳۹۳)، «تربیت اقتصادی از منظر قرآن و حدیث»، *اندیشه های قرآنی*، شماره ۲، پاییز و زمستان.
۲. حسین زاده و داودی، سیدعلی و محمد (۱۴۰۱)، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، سمت، شماره ۱۱.
۳. حسینی، سید مرتضی، «اخلاق تبلیغ در سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم»، مرکز جهانی مطالعات اسلامی، ۱۳۸۳، شماره ۱.
۴. کریم پور، علی (۱۴۰۰)، «بررسی و تبیین نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام در جامعه مسلمان»، همایش ملی بانوی هزاره اسلام (بزرگداشت حضرت خدیجه علیها السلام).
۵. امین مجد، زهرا، *ویژگی نامه نوروز*، سال ۱۳۹۱.

